گفت‌وگوی احمد غلامی با عباس عبدی و شهاب‌الدین طباطبایی

چه کسانی از قطار دولت پیاده خواهند شد؟

عکس: سهند اکبر خرل

کمتر از یک سال از عمر دولت پزشکیان می‌گذرد و شاید این مدت کوتاهی برای واکاوی و ارزیابی عملکرد یک دولت باشد. اما شرایط کشور به گونه‌ای پیش می‌رود که هیچ فرصتی برای تجربه‌گری از خطا را نباید از دست داد. دیگر شیوه آزمون و خطا در دولت‌ها امکان‌پذیر نیست و کشور در شرایطی به سر می‌برد که هر تصمیم شتاب‌زده و غیرعقلانی می‌تواند منجر به بحرانی جدی شود. ازاین‌رو برای بیشگیری از هر خطا و اشتباه جبران‌ناپذیری، ناگزیر باید از نظرات کارشناسان و مردم در عرصه عمومی استفاده کرد. با عباس عبدی و شهاب‌الدین طباطبایی درباره عملکرد دولت در این دوره کوتاه اما پرشتاب به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

در آستانه یک‌سالگی دولت آقای پزشکیان، دیگر می‌توانیم یک ارزیابی از عملکرد آن داشته باشیم. به نظرتان این دولت در چند ماهی که از عمرش می‌گذرد، در چه زمینه‌هایی کارآمد بوده و دلایل ناکامی در سایر زمینه‌ها را چه می‌دانید؟

عباس عبدی: برای ارزیابی یک عملکرد ابتدا باید ببینیم از چه زوایایی به بررسی موضوع می‌پردازیم. مثلا برای ارزیابی یک ماشین باید ببینیم ورودی و خروجی‌اش درباره این ماشین چیست و با چه قیمتی آن را خریده‌ایم. مثلا اگر بیکان یا پراید خریده‌اید، نمی‌توانید انتظار پژو یا بنز را از آن داشته باشید. نکته بعدی این است که ببینیم این ماشین در چه جاده‌ای قرار است حرکت کند. حتی اگر بهترین ماشین را هم در جاده خاکی براند، نمی‌تواند در جاده‌ای سنگلاخ با ۱۵۰ کیلومتر سرعت پیش برود. ضمنا انتظارتان از ماشین هم مهم است. ممکن است شما با ماشین داخل شهر تردد کنید و ممکن است بخواهید در مسابقه شرکت کنید. اینها متفاوت هستند. حالا در پاسخ به پرسش شما می‌گویم سود انتخاب آقای پزشکیان در همان روز شنازدهم تیر حاصل شد. اما یک موضوع را که برای مثال در بورس مهم و نمایان است نباید فراموش کنیم. قیمت بعضی شرکت‌ها در بورس انفجاری بالا می‌رود و با هر میزان سرمایه‌گذاری ۱۰ برابر سود می‌برید. اما پس از آن و با قیمت‌های بعدی است که سود و زیان را حساب می‌کنید. یعنی حتی اگر سرمایه‌تان ۱۰ برابر هم شده باشد، انتظار دارید دیگر پایین نیاید و مثلا ۹ برابر نشود. همان روز شنازدهم تیر هم گفتم که ما سودمان را بردیم و سود این بود که ریل سیاست در ایران عوض شد و به یک مسیر عادی بازگشت و این بزرگ‌ترین پیروزی بود. ضمن اینکه اساسا هزینه‌ای هم برای این کار نپرداختیم. ۲۶ روز فعالیت انتخاباتی بود. از بیستم خرداد تا پانزدهم تیر. در این مدت جز لذت سیاسی چیز دیگری نبود، نه دعوایی کردیم و نه فحشی دادیم. فعالیت سایه مدنی داشتیم. با چنین سطحی از کار دستاورد بسیار بالایی حاصل شد. اما ۱۶ تیر اتفاقی افتاد که با آن ۱۵ تیر دیگر تمام شد. درست مثل همان مثال بورس که مایکروسافت را در بورس که می‌آورید قیمتش دو، سه برابر می‌شود اما وقتی می‌خواهید سهامش را بخرید، انتظار افزایش قیمت را دارید و اگر قیمت گمم شود خنثی کرده‌اید. باید ببینیم در آن انتخابات چه اتفاقی افتاد. گروهی شرکت نکردند و مسئله‌شان کل ساختار حکومت بود. حدود ۶۰ درصد دور اول شرکت نکردند. شکافی که با ساختار حکومت داشتند، مثل همان دیوار بلندی است که از بچه در این انتخابات خیلی خوب جلو می‌رود. نمی‌خواهم بگویم اینها را نتیجه می‌رسد. اما معتقدم از طرف ایران بیام واضح و روشنی داده می‌شود. مسئله بنیم مربوط به کرینش است که در دو سطح کارمندان ادارات، آموزش‌وپرورش و همچنین در سطح مقامات سیاسی مطرح است. البته کاه‌هایی برداشته شده ولی کافی نیست. اگر جامعه در مجموع بگوید، دولت در این اهداف پیش از متوسط موفق بوده و حالا همه اینها در ذیل موضوع وفاق افتاد افتاد است.

شهاب‌الدین طباطبایی: آقای عبدی اصل مطلب را فرمودند و من یک نکته اضافه می‌کنم. در شرایطی که ایشان ماشین و جاده و مسیر سنگلاخ را ترسیم کردند، به نظرم می‌رسد که حتی در جایی‌ها جاده از سنگلاخ‌بودن، خود مسیر هم شباه بوده است. انتخاب آقای پزشکیان مسیر عقلانیت را اجباری کرد و این یکی از اصلی‌ترین شعارهای آقای پزشکیان بود که می‌گفت نوعه دانایی و تخصص ندارم و به دنبال عقلانیت هستم. فکر می‌کنم تا حدود زیادی این موضوع محقق شد. دو اتفاق دیگر هم اتفاق افتاد: یکی اینکه تا اینجا وفاق‌دهی زایی با وفاق اتفاق افتاد. دیگر اینکه بخش عمده‌ای از نتایج در کنار از یک سال محقق نمی‌شود، اما این می‌تواند در آن مقطع بگویم می‌بینم که به سمت عقلانیت است و این می‌تواند نتیجه را نشان دهد. نکته بعدی اینکه دیل با همراه دوقطبی‌زدایی که در وفاق اتفاق افتاد، شاهد اعتمادی‌زدایی کردن از موضوعات سیاسی هم بودیم که آقای پزشکیان در این زمینه موفق عمل کرده است. مهم این است که وقتی در شرایط سخت کار را تحویل می‌گیریم، بتوانیم حول مسائل کشور توافق‌سازی و اجماع ایجاد کنیم آن‌هم نه با دوقطبی‌کردن فضا، بلکه با محرمانه‌ترین مدل و جمع‌کردن همه نیروها ذیل مسائل مهم کشور که باید بشود. امروز اگر بگویند ناترازی یا بحران آب داریم، کسی مدعی نمی‌شود اوضاع خوب است. در این دولت، جلب توجه ارکان حاکمیت به این معنا که در مسائل اساسی کشور کسی اختلاف نداشته باشد، اتفاق افتاده آن‌هم بدون خودنمایی. آقای عبدی به‌درستی اشاره کردند که تا امروز قهرمانی از دل این اتفاق بیرون نیامده که بگوید فقط من می‌فهمم. از نظر من اصلی‌ترین موضوع همین مسئله وفاق است. دوستان ما انتقادات زیادی به مسئله وفاق دارند. چون به روند وفاق دنمی‌کنند. در مقاطعی فکر می‌کنند که الان اگر من نباشم، اتفاقی رقم نمی‌خورد یا کار درست انجام نمی‌شود. من این را کاملا رد می‌کنم و می‌گویم مسائل کشور، حول محور همه نیروهای سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، نه اینکه اگر من باشم کار خوب پیش می‌رود و اگر نباشم و رقیبم باشد کار خراب می‌شود. آقای پزشکیان این مورد را هم با مدل خودش نهادینه می‌کند. ممکن است این مدل که تا به حال امتحان نشده در طی مسیر با مشکلاتی مواجه باشد. اما همه برای حل مشکلات باید کمک کنیم. ویژگی آقای پزشکیان این است که دنبال حل مسئله است و مسائل را از فرایندی به فرایند دیگر حمل نمی‌کند. ابرپروژه‌هایی در حوزه‌های مختلف برای خودش تعریف کرده و می‌گوید می‌ایستم و حل می‌کنم. انجام این کارها هم نیازمند یک بازه زمانی است و در کمتر از یک سال صورت نمی‌گیرد.

مطمئنا مخاطبان ما به طور قاطع می‌گویند وضع کشور بد است. مثلا در حالی که کرانی سرماسازآور است اینها دلشان خوش است و نشسته‌اند درباره عملکرد دولت صحبت می‌کنند. آقای عبدی به صورت کلی‌تر اشاره کردند که بالاخره جامعه خواسته یا ناخواسته باورش را به دولت و کارایی دولت‌ها از دست داده. شاید حدود ۵۰ یا ۶۰ درصد جامعه این تفکر را داشته باشند و البته کروهی هم هنوز امیدوارند که این دولت بتواند راه‌دشا باشد. این روزها که بحث مذاکره و توافق مطرح است، می‌توان گفت که حجم نامیدی‌ها و انتقادها تا حدی کنترل شده است. اما اگر این توافق به سرانجام نرسد، چه اتفاقی می‌افتد؟ گویا مردم در بحث ما غایب هستند و مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به نظرم آقای عبدی بحث را مکانیکی کردند و گفتند حتی اگر ماشین بنز را هم در این جاده کاری بیندازید، امکان اینکه به صورت مطلوب حرکت کند وجود نخواهد داشت. اما مسائل جامعه را نمی‌توان این‌طور مکانیکی تحلیل کرد. نگاه مردم به دولت پزشکیان به شکل یک دولت کارا است و فکر می‌کنند بعد از این اتفاقی می‌افتد و وضع بهبود پیدا می‌کند؛ یعنی آینده‌شان را در دولت آقای پزشکیان نمی‌بینند. جفدر این برداشت درست است؟

عبدی: من در این جلسه به سؤالاتی که شما می‌پرسید جواب می‌دهم. درباره وفاق مردم چه فکر می‌کنند، اشاره کردم که مردم آن‌قدر مسائل زیادی دارند که به دیروز کاری ندارند و به امروزشان نگاه می‌کنند. امروز برق قطع می‌شود و این به دولت مربوط است. مثالی می‌زنم؛ یکی از مهم‌ترین چهره‌های جامعه است و اینکه این کارآمدی در شرایط آرامش تحقق پیدا خواهد کرد. دولت آقای پزشکیان در حوزه‌های مختلف با همین دشت‌فرمان وفاق و جمله معروف «دعوا نکنیم»، کار را پیش برده و باعث شده مسائلی که می‌توانستند به‌سرعت به بحران و فاجعه ملی تبدیل شوند به بحرانی دامن زده شود. از این مثال‌ها زیاد داریم؛ موضوع معلم‌ها یا جنسی کندم‌کاران که می‌توانست به بحران تبدیل شود. انتخاب استاندار یا مقاماتی که از میان اهل سنت انتخاب شده‌اند هم است. زمانی این آرزوی مردم محلی و جمع‌کردن همه نیروها ذیل مسائل مهم کشور کار دشواری است. امروز اگر بگویند ناترازی یا بحران آب داریم، کسی مدعی نمی‌شود اوضاع خوب است. در این دولت، جلب توجه ارکان حاکمیت به این معنا که در مسائل اساسی کشور کسی اختلاف نداشته باشد، اتفاق افتاده آن‌هم بدون خودنمایی. آقای عبدی به‌درستی اشاره کردند که تا امروز قهرمانی از دل این اتفاق بیرون نیامده که بگوید فقط من می‌فهمم. از نظر من اصلی‌ترین موضوع همین مسئله وفاق است. دوستان ما انتقادات زیادی به مسئله وفاق دارند. چون به روند وفاق دنمی‌کنند. در مقاطعی فکر می‌کنند که الان اگر من نباشم، اتفاقی رقم نمی‌خورد یا کار درست انجام نمی‌شود. من این را کاملا رد می‌کنم و می‌گویم مسائل کشور، حول محور همه نیروهای سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، نه اینکه اگر من باشم کار خوب پیش می‌رود و اگر نباشم و رقیبم باشد کار خراب می‌شود. آقای پزشکیان این مورد را هم با مدل خودش نهادینه می‌کند. ممکن است این مدل که تا به حال امتحان نشده در طی مسیر با مشکلاتی مواجه باشد. اما همه برای حل مشکلات باید کمک کنیم. ویژگی آقای پزشکیان این است که دنبال حل مسئله است و مسائل را از فرایندی به فرایند دیگر حمل نمی‌کند. ابرپروژه‌هایی در حوزه‌های مختلف برای خودش تعریف کرده و می‌گوید می‌ایستم و حل می‌کنم. انجام این کارها هم نیازمند یک بازه زمانی است و در کمتر از یک سال صورت نمی‌گیرد.

در حالی که کرانی سرماسازآور است اینها دلشان خوش است و نشسته‌اند درباره عملکرد دولت صحبت می‌کنند. آقای عبدی به صورت کلی‌تر اشاره کردند که بالاخره جامعه خواسته یا ناخواسته باورش را به دولت و کارایی دولت‌ها از دست داده. شاید حدود ۵۰ یا ۶۰ درصد جامعه این تفکر را داشته باشند و البته کروهی هم هنوز امیدوارند که این دولت بتواند راه‌دشا باشد. این روزها که بحث مذاکره و توافق مطرح است، می‌توان گفت که حجم نامیدی‌ها و انتقادها تا حدی کنترل شده است. اما اگر این توافق به سرانجام نرسد، چه اتفاقی می‌افتد؟ گویا مردم در بحث ما غایب هستند و مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به نظرم آقای عبدی بحث را مکانیکی کردند و گفتند حتی اگر ماشین بنز را هم در این جاده کاری بیندازید، امکان اینکه به صورت مطلوب حرکت کند وجود نخواهد داشت. اما مسائل جامعه را نمی‌توان این‌طور مکانیکی تحلیل کرد. نگاه مردم به دولت پزشکیان به شکل یک دولت کارا است و فکر می‌کنند بعد از این اتفاقی می‌افتد و وضع بهبود پیدا می‌کند؛ یعنی آینده‌شان را در دولت آقای پزشکیان نمی‌بینند. جفدر این برداشت درست است؟

عبدی: من در این جلسه به سؤالاتی که شما می‌پرسید جواب می‌دهم. درباره وفاق مردم چه فکر می‌کنند، اشاره کردم که مردم آن‌قدر مسائل زیادی دارند که به دیروز کاری ندارند و به امروزشان نگاه می‌کنند. امروز برق قطع می‌شود و این به دولت مربوط است. مثالی می‌زنم؛ یکی از مهم‌ترین چهره‌های جامعه است و اینکه این کارآمدی در شرایط آرامش تحقق پیدا خواهد کرد. دولت آقای پزشکیان در حوزه‌های مختلف با همین دشت‌فرمان وفاق و جمله معروف «دعوا نکنیم»، کار را پیش برده و باعث شده مسائلی که می‌توانستند به‌سرعت به بحران و فاجعه ملی تبدیل شوند به بحرانی دامن زده شود. از این مثال‌ها زیاد داریم؛ موضوع معلم‌ها یا جنسی کندم‌کاران که می‌توانست به بحران تبدیل شود. انتخاب استاندار یا مقاماتی که از میان اهل سنت انتخاب شده‌اند هم است. زمانی این آرزوی مردم محلی و جمع‌کردن همه نیروها ذیل مسائل مهم کشور کار دشواری است. امروز اگر بگویند ناترازی یا بحران آب داریم، کسی مدعی نمی‌شود اوضاع خوب است. در این دولت، جلب توجه ارکان حاکمیت به این معنا که در مسائل اساسی کشور کسی اختلاف نداشته باشد، اتفاق افتاده آن‌هم بدون خودنمایی. آقای عبدی به‌درستی اشاره کردند که تا امروز قهرمانی از دل این اتفاق بیرون نیامده که بگوید فقط من می‌فهمم. از نظر من اصلی‌ترین موضوع همین مسئله وفاق است. دوستان ما انتقادات زیادی به مسئله وفاق دارند. چون به روند وفاق دنمی‌کنند. در مقاطعی فکر می‌کنند که الان اگر من نباشم، اتفاقی رقم نمی‌خورد یا کار درست انجام نمی‌شود. من این را کاملا رد می‌کنم و می‌گویم مسائل کشور، حول محور همه نیروهای سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، نه اینکه اگر من باشم کار خوب پیش می‌رود و اگر نباشم و رقیبم باشد کار خراب می‌شود. آقای پزشکیان این مورد را هم با مدل خودش نهادینه می‌کند. ممکن است این مدل که تا به حال امتحان نشده در طی مسیر با مشکلاتی مواجه باشد. اما همه برای حل مشکلات باید کمک کنیم. ویژگی آقای پزشکیان این است که دنبال حل مسئله است و مسائل را از فرایندی به فرایند دیگر حمل نمی‌کند. ابرپروژه‌هایی در حوزه‌های مختلف برای خودش تعریف کرده و می‌گوید می‌ایستم و حل می‌کنم. انجام این کارها هم نیازمند یک بازه زمانی است و در کمتر از یک سال صورت نمی‌گیرد.

عباس عبدی: انتقاد باید صریح و علنی و عمومی باشد. انتقاد در عرصه عمومی، یک کنش اجتماعی و جمعی است. در عرصه عمومی نباشد، یعنی رسانه را کنار زدید. باید در عرصه عمومی باشد. اما اینکه دوقطبی ایجاد می‌شود باید بگویید درست است که اشکال ایجاد می‌کند. تبیین‌زدن ایرادی ندارد. من وقتی در عرصه عمومی نباشد، یعنی رسانه را کنار بز